

بررسی تطبیقی مصداق «قوم برگزیده» به جای «مرتدان» از دیدگاه مفسران در آیه ۵۴ مائده

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۰)

دکتر حمید باقری^۱

نرگس مرادپور^۲

چکیده

یکی از مباحث حائز اهمیت قرآن کریم خبرهای غیبی و به طور خاص پیش‌گویی‌های آن است. اشمال قرآن بر این گونه اخبار غیبی و پیش‌گویی‌ها از سوی عالمان از جمله وجوه اعجاز این کتاب آسمانی قلمداد شده است. آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده از جمله آیاتی است که نوعی پیش‌گویی در آن اظهار شده است. خداوند متعال در این آیه فرموده‌اند: گروهی را به جای مرتدان می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند. تعیین مصداق گروه جدید جایگزین مرتدان که خداوند از آنها به عنوان محبوبان خود یاد کرده مسأله‌ای اختلافی میان مفسران شیعه و اهل تسنن از گذشته تا به امروز بوده است. بنا بر نظر مفسران شیعه، امام علی (ع) مصداق این آیه است، اما در مقابل، مفسران اهل تسنن بر این نظرند که منظور خلیفه نخست یعنی ابوبکر است که با از دین بیرون شدگان (اصحاب رده) جنگید. حال مسأله اساسی در این باره، مطالعه و بررسی آرای مفسران قدیم و جدید اسلامی و تحلیل انتقادی و داوری در باره آنهاست. حاصل این مطالعه انتقادی آنکه اوصافی که در آیه برای افراد مؤمن مورد بحث آمده یعنی تواضع و نرمی در باره اهل ایمان و شدت و سخت‌گیری بر کفار و جهاد در راه خدا با نداشتن پروا از ملامت سرزنش‌کنندگان موضوعاتی است که هیچ‌یک از عالمان و مفسران و مورخان اسلامی - خواه از اهل سنت خواه شیعی - نمی‌تواند آنها را در مورد علی (ع) انکار کند پس مصداق واقعی این آیه، امام علی (ع) می‌باشد و در آینده می‌تواند مصداق امام زمان (عج) باشد که در آینده ظهور می‌کند و جهان را پر از عدل و داد می‌کند.

کلید واژه‌ها: پیش‌گویی‌های قرآن، سوره مائده، مفسران اسلامی، مرتدان، امام علی (ع).

^۱. استادیار گروه قرآن و حدیث (دانشگاه تهران)؛ Bagheri.h@ut.ac.ir

^۲ - کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن دانشکده علوم و فنون قرآن تهران nargesmoradi44@yahoo.com

طرح مسئله

قرآن از مفاهیمی سخن گفته که مصداق آن مفاهیم، گاه روشن نیست و از این رو تفسیر به رأی به آن راه یافته است که یکی از آنها آیه ۵۴ سوره مائده است. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.

در این آیه، سخن از مرتدانی است که طبق پیش‌بینی قرآن بعدها از این آئین مقدس روی بر می‌گرداندند خداوند به عنوان یک قانون کلی به همه مسلمانان اخطار می‌کند: "اگر کسانی از شما از دین خود بیرون روند، زبانی به خدا و آئین او و جامعه مسلمین و آهنگ سریع پیشرفت آنها نمی‌رسانند، زیرا خداوند در آینده جمعیتی را برای حمایت این آئین برمی‌انگیزد". در اینکه این گروه از مرتدین چه کسانی بودند و چرا مرتد شدند، اقوالی وجود دارد که در متن مقاله آمده است و در این زمینه بین مفسران اختلاف نظری وجود ندارد و همگی در مورد گروهی که مرتد شدند اتفاق نظر دارند و اکثر مفسران اسم قبایل مرتد شده را در تفاسیر خود ذکر کرده‌اند ولی اختلاف مفسران در این است که آن گروهی که قرار است به جای اینان بیایند چه کسانی هستند.

برای اسلام نوپا و تازه شکل گرفته مساله ارتداد و از دین برگشتن گروهی از مسلمانان و عواقب مرتد شدن آنان خیلی مهم بود، به همین خاطر جنگهایی با اهل رده شکل گرفت که جلوی این مساله گرفته شود ولی مساله ای که باعث اختلاف نظر مفسران شیعه و اهل تسنن گردید نامشخص بودن گروهی است که قرار است به جای مرتدان بیایند و همین مساله نگارندگان را بر آن داشت تا در این زمینه تحقیق کنند و به کشف حقیقت دست یابند.

۱- مروری بر سوره مائده و فرازهای آن

این سوره مدنی است و به ترتیب مصحف پنجمین و به ترتیب نزول صد و دوازدهمین سوره و از نظر حجم و کمیت از سوره‌های «طویل» و یکی از بزرگترین سوره‌های قرآن است. بیش از یک جزء قرآن را در بر دارد. تعداد آیات سوره مائده به نظر قاریان کوفه ۱۲۰ آیه و به نظر قاریان بصره ۱۲۳ آیه و به نظر دیگر قاریان ۱۲۲ آیه است که نظریه اول صحیح و مشهور است. تعداد کلمات آن ۲۸۴۲ کلمه و تعداد حروف آن ۱۲۲۰۷ حرف است. دومین سوره از سوره‌های یازده‌گانه

«مخاطبات» است که با خطاب «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» آغاز می‌شود. احکام فقهی بسیاری در این سوره از جمله: حرمت قتل و آدم‌کشی، احکام غسل، وضو و تیمم، احکام مربوط به وصیت، احکام حدّ دزدی، احکام حدّ و مجازات مفسد و محارب، احکام قصاص و سایر اعمال مربوط به افراد مُحرّم (درحال حج) آمده است. نکات و مطالب مهم این سوره عبارتند از: مسأله امامت، ولایت و رهبری بعد از پیامبر اسلام (ص)، داستان فرزندان آدم (هابیل و قابیل) و مطالبی در باره‌ی معاد و اوضاع و احوال قیامت. (خرمشاهی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۲۳۷)

۲- شأن نزول آیه ۵۴ سوره مائده

در مورد شأن نزول آیه اختلاف نظر وجود دارد. عدّه‌ای می‌گویند آیه در مورد علی (ع) در فتح خیبر، یا مبارزه با "ناکثین" و "قاسطین" و "مارقین" (آتش‌افروزان جنگ جمل، و سپاه معاویه، و خوارج) نازل شده است. بعضی می‌گویند در باره سلمان و هم‌وطنانش نازل شده (طبرسی، ج ۳، ص ۳۲۱) و بعضی مفسران می‌گویند در باره‌ی ابوبکر نازل شده که به جنگ با مرتدین رفت. عدّه‌ای دیگر می‌گویند در باره یاران مهدی (عج) نازل شده است که با تمام قدرت در برابر آنها که از آئین حق و عدالت مرتد شده‌اند، می‌ایستند و جهان را پر از ایمان و عدل و داد می‌کنند. مفسران شیعه و اهل تسنن نظرات مختلفی در باره شأن نزول این آیه دارند که نظر هر کدام را بیان می‌آوریم.

الف: مفسران عامه

مفسران اهل تسنن بر این اعتقاد هستند که این آیه در شأن ابوبکر نازل شده است. گروهی از مفسران معتقدند که منظور از قومی که می‌آیند ابوبکر می‌باشد. دلیل‌شان این است که ابوبکر به جنگ با اهل رده پرداخته بود. "رده"، مجموعه جنگ‌هایی است که اندکی پس از درگذشت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیامبر مسلمانان، میان شماری از قبایل مرتد عرب و مسلمانان در گرفت. این قبایل که از اسلام برگشته بودند در برابر حکومت اسلامی وقت اعلام استقلال کرده و ضد آن قیام کردند. این جنگ‌ها میان سال‌های ۱۱ تا ۱۳ هجری (۶۳۲ تا ۶۳۳ میلادی)، و در زمان خلافت ابوبکر صورت گرفت. برخی از این قبایل، مثل قبیله بنی حنفیه، از اسلام برگشته بودند، لکن از دادن وجوهات شرعی به دولت ابوبکر خودداری می‌کردند، اما ابوبکر این قبایل را نیز مرتد خواند و با آنها نیز جنگید.

ب: مفسران شیعه

گروه دیگری از مفسران معتقدند که این آیه در شأن امام علی (ع) نازل شده است. که به اهم این نظرات اشاره می‌شود:

- کوفی در تفسیر فرات الکوفی می‌گوید این آیه در شأن علی و شیعیان علی (ع) می‌باشد. (کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۳)

- طبرسی در مجمع البیان آورده است: عمار و حذیفه و ابن عباس گویند مقصود علی (ع) و اصحاب اوست که پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) با بیعت شکنان جنگ جمل و ستمکاران جنگ صفین و خوارج نهروان جنگیدند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۲۲)

- ابوالفتوح رازی در روض الجنان و روح الجنان می گوید: آنچه در اخبار ما آمد و از صحابه و ائمه روایت کردند که آیه در امیر المؤمنین علی - علیه السلام - آمد و قتال او با اهل بصره و اهل شام آمد، و این روایت عمّار یاسر است و حذیفه بن الیمان و عبد الله عبّاس و باقر و صادق - علیهما السلام. (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۷)

- بروجردی در تفسیر جامع آیه را در باره امیر المؤمنین و اصحاب باوفایش که در جنگ بصره در رکاب آنحضرت جهاد می کردند، می داند و می گوید: این آیه خطاب به اصحاب پیغمبر است آنهایی که غضب نمودند حقوق آل محمد را و از دین اسلام خارج شدند. به زودی اصحاب حضرت حجت علیه السلام بیایند و با آنها جهاد کنند و از هیچ چیز ترس و واهمه ندارند. (بروجردی، ۱۳۶۶ش، ج ۶، ص ۲۲۴)

- سید کریمی حسینی در تفسیر علین مراد از مصداق آیه را علی علیه السلام و اصحاب آن حضرت می داند که با «ناکثین» و «فاسطین» و «مارقین» جنگیدند. (سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۱۷)

اما قمی در تفسیر القمی (قمی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۷۰) و همچنین حویزی در نورالتقلین نظرات متفاوتی دارند و می گویند این آیه در شأن حضرت قائم (عج) و اصحابش نازل شده است. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ص ۶۴۱)

باتوجه به اینکه قومی که قرار است بیاید دارای صفات خاصی است و هر قومی دارای آن صفات نمی باشد، قمی و حویزی می گویند این قوم در آینده می آیند و آن قوم حضرت مهدی (عج) و یارانش می باشد.

۳- واژه های تاثیرگذار و مهم در آیه ۵۴ مانده

۳-۱- ارتداد در عبارت «مَنْ يَرْتَدَّ»

ابتدا نظر مفسران در باره کلمه ارتداد و مرتد را مورد بررسی قرار می دهیم.

طبرسی در مجمع البیان می گوید هر کس بعد از اظهار ایمان، به کفر باز گردد مرتد است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۲۱). کاشانی در منهج الصادقین هم نظری مشابه طبرسی دارد و می گوید: هر که مرتد شود از شما، یعنی آنکه اظهار ایمان می کند، پس از آن هر گاه اظهار کفر کند و بر گردد "عَنْ دِينِهِ"

از دین خود یعنی از دین اسلام که اظهار حقیقت آن می کردند (کاشانی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ۲۶۴) صاحب تفسیر اثنی عشری می گوید: هر که مرتد شود از شما از دین خود، یعنی از آنانکه اظهار ایمان می کنند هر که اظهار کفر کند و برگردد از دین اسلام که اظهار حقیقت آن می نمودن. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۱۱۳). مغنیه هم در الکاشف می گوید: ارتداد عبارت است از: کافر شدن پس از اسلام (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۷۶). یعنی طبرسی، کاشانی، شاه عبدالعظیمی و مغنیه همگی بر این نظرند که هرکس به دین اسلام ایمان بیاورد و بعد به کفر بازگردد، اینان مرتد هستند.

اما مفسر معاصر مغنیه مرتد را به دو گروه تقسیم کرده است، مرتد فطری و مرتد ملی. مرتد فطری آن است که پدر و مادرش و یا یکی از آنها مسلمان باشد، و مرتد ملی آن است که پدر و مادرش کافر باشند و او مسلمان شود و سپس مرتد گردد. (همان، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۲۵)

خسروانی می گوید: ارتداد خروج از دین اسلام و دخول در کفر است مطلقا یا به سبب ترک رکنی از ارکان دین آشکارا و از روی عناد. (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۰۸). یعنی کسی که آشکارا رکنی از ارکان دین اسلام ترک کند مرتد هست.

اما نظر طیب بر این است که: ارتداد مجرد رجوع بشرک یا تهود یا تنصر نیست بلکه یکی از ما جاء به النبی صلی الله علیه و آله و سلم را اگر انکار کرد مرتد میشود زیرا تصدیق بما جاء به النبی صلی الله علیه و آله و سلم از لوازم تصدیق بر رسالت است. (طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۴، ص ۳۹۸)

صاحب تفسیر المیزان معنای اینکه گفته می شود فلانی "ارتد عن دینه" این است که از دین خود برگشت و این در اصطلاح اهل دین به معنای برگشتن از ایمان به کفر است، حال چه اینکه ایمانش مسبوق به کفری دیگر باشد، مثل کسی که کافر بوده، سپس ایمان آورده و دوباره به کفر قبلی خود برگردد و یا مسبوق نباشد مثل مسلمان زاده ای که قبل از اسلامش هیچ سابقه کفر نداشته و بعدا کافر شود که اولی را مرتد ملی می گویند چون در حقیقت به ملت و کیش قبلی خود برگشته، و دومی را مرتد فطری می نامند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۳۷۹)

فقیهان نیز در تعریف مرتد نوشته اند: «مرتد» کسی است که پس از اقرار به اسلام، دوباره کافر شود. (جعفر بن الحسن - الحلی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۹۶۱)

مرتد ملی، کسی که کافر بوده مسلمان شده و سپس از اسلام برگشته؛ چنین کس توبه داده می شود و تا سه روز به او مهلت داده می شود اگر توبه کرد که رها می شود و اگر از توبه خودداری کرد کشته می شود. زن با مرتد شدن کشته نمی شود بلکه

توبه داده می‌شود اگر توبه کرد توبه‌اش پذیرفته می‌شود هرچند مرتد فطری باشد و اگر توبه را نپذیرفت حبس ابد در «زندان دائمی» می‌شود. (محمدی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۵۷)

۳-۲- قوم، جمع به معنای اسم جمع

واژه قَوْمَ در صورت‌های مختلف آن (۶۶۱) بار در قرآن وارد شده و بیشترین صورت آن از جهت ذکر در قرآن کلمه «قوم» است که (۳۸۳) بار در قرآن کریم آمده است. کلمه «قوم» در قرآن کریم هم به اسم ظاهر اضافه شده است مانند: قوم نوح، قوم لوط، قوم هود، قوم یونس، قوم ابراهیم، قوم موسی، قوم فرعون، قوم صالح، و ... و همچنین به صورت مضاف به ضمیر و هم به صورت مفرد و نکره استعمال شده است. صاحب المیزان می‌گوید: در تعبیر از کلمه "قوم" به معنای مردم، و آوردن آن اوصاف و افعال را با صیغه جمع، همه و همه به این معناست که آن قومی که خدا وعده آوردنش را داده، مردمی هستند که دسته جمعی می‌آیند نه تک تک و دو تا دو تا. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۳۸۳) در این آیه‌ی شریفه، که قوم اسم جمع می‌باشد، هم می‌تواند فردی باشد که دارای آن خصوصیات باشد و هم گروهی باشد که همگی دارای صفات و خصوصیات مشترک دارند.

۴- دیدگاه مفسران عامه و شیعه در کیستی "مرتدان"

اکثر مفسران شیعه و اهل تسنن در باره‌ی کیستی مرتدان اتفاق نظر دارند. اعتقاد آنان بر این است که سه قبیله در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و هفت قبیله در زمان ابوبکر از دین برگشتند و مرتد شدند.

سه قبیله که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتد شدند عبارتند از:

یک: بنو مدلج که رئیس آنها اسود العنسی بود و در یمن دعوی پیامبری کرد و او کاهنی بود و خداوند او را به دست فیروز دیلمی هلاک فرمود.

دو: بنو حنیفه قوم مسیلمه کذاب که دعوی نبوت کرد

سه: بنو اسد که زعیمشان طلیحہ بن خویلد در زمان رسول خدا مرتد شد و ابوبکر در خلافت خود با او جنگید و او به شام فرار کرد و اسلام آورد و مسلمانی نیکو گشت.

و اما هفت طایفه که در دوره ابی بکر مرتد شدند عبارتند از:

غطفان که رئیس آنها قره بن سلمه بود، فزاره قوم عیینه بن حصن، بنو سلیم قوم فجاءه عبد یالیل، بنو یربوع قوم مالک بن نویره، بعضی از بنی تمیم که زعیمشان سجاح دختر منذر کاهنه بود، کنده قوم اشعث بن قیس، بنو بکر بن وائل الحطم بن زید. (خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ۴۰۶)

مفسرانی مانند مقاتل بن سلیمان در تفسیر مقاتل، (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۸۵)، ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان و روح الجنان، (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲) میدی در تفسیر کشف الاسرار، (میددی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۱۴۶) ابوحیان در بحرالمحیط، (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۹۶) ابن جزی در التسهیل لعلوم التنزیل، (ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۳۵) مغنیه در الکاشف، (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۷۶) زحیلی در الوسیط، (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۷۲) حجازی در الواضح (حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۵۲۷) طنطاوی در تفسیر الوسیط لقرآن الکریم (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۱۹۶)، همگی در مورد کیستی مرتدان اتفاق نظر دارند که گروهی در زمان پیامبر (ص) و گروهی در دوره ی خلافت ابوبکر مرتد شدند.

۵- دیدگاه مفسران شیعی و عامه در کیستی "قوم جایگزین"

۱-۵- دیدگاه مفسران شیعه

کوفی در تفسیر فرات کوفی می گوید منظور از قومی که می آید، علی و پیروان علی هستند. فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ قَالَ عَلِيُّ وَ شِيعَتُهُ (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۳) یعنی این قوم در زمان نزول، همان امام علی است و بعدا شامل کسانی می شود که صفات قوم علی را داشته باشند که منظور امام زمان (عج) می باشد.

تفسیر قمی، صراحتا گفته است که در باره حضرت قائم و یارانش می باشد. نزلت فی القائم ع و أصحابه (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۷۰)

بروجردی در تفسیر جامع: در باره امیر المؤمنین و اصحاب باوفایش که در جنگ بصره در رکاب آن حضرت جهاد می کردند نازل شده و این آیه خطاب به اصحاب پیغمبر است آنهایی که غضب نمودند حقوق آل محمد را و از دین اسلام خارج شدند بزودی اصحاب حضرت حجه علیه السلام بیایند و با آنها جهاد کنند و از هیچ چیز ترس و واهمه ندارند. (بروجردی، ۱۳۶۶ش، ص ۲۲۴)

طبری در تفسیر جامع البیان می گوید آن قوم ابوبکر و یارانش می باشد. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۸۲)

الف: ماتریدی در تأویلات اهل سنت (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۴۱) می گوید منظور از این قوم ابوبکر می باشد که به جنگ با کسانی که از اسلام روی برگرداندند و مرتد شدند جنگید.

ب: مکی بن حموش در الهدایه الی بلوغ النهایه (مکی بن حموش، ۱۴۲۹ق، پیشین، ج ۳، ص ۱۷۸۴) از حسن و ضحاک نقل می کند که منظور ابوبکر صدیق و یارانش می باشد که بعد از پیامبر (ص) با اهل رده جنگیدند.

ج: میدی در کشف الاسرار و عده الابرار (میدی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۱۴۷) می گوید: این قوم ابو بکر صدیق است و خالد ولید، و سپاه اسلام و غازیان امت که با اهل ردت جنگ کردند و دین حق را نصرت دادند.

۶- نقد و بررسی آراء فریقین

مفسران اهل تسنن سعی کردند قومی را که قرار است به جای مرتدین بیاید، به خاطر جنگ با اهل رده به خلیفه اول (ابوبکر) نسبت بدهند، ولی همانطور که در کتب تاریخی آمده است هدف ابوبکر از جنگیدن با اهل رده، صرفاً به این خاطر نبوده است که مرتد شده اند و از اسلام برگشته اند. جنگ ابوبکر با کسانی بود که از دادن زکات سر باز زدند و یا زکات خود را به مدینه می فرستادند و می گفتند که خلافت ابوبکر را قبول نداریم. ابوبکر برای ثبات خلافت خود با آنها جنگید و این جنگ برای اسلام دارای ارزش و رتبه ای نبوده است که بخواهیم این پیشگویی را حمل بر جنگ ابوبکر کنیم. پس این نظریه قابل قبول نیست.

واز این مهمتر، اوصافی که در آیه برای افراد مؤمن مورد بحث آمده یعنی تواضع و نرمی در باره اهل ایمان، و شدت و سخت گیری بر کفار، و جهاد در راه خدا، و نداشتن پروا از ملامت گران، همه اینها اموری است که احدی از شیعه و سنی نمی تواند آنها را در مورد علی (ع) انکار کند.

نتیجه

به نظر می‌رسد که مفهوم آیه عام است و شامل تمام گروه‌هایی می‌شود که پس از رسول خدا و در طول تاریخ در راه احیاء دین اسلام و تثبیت و تحکیم و گسترش آن تلاش کنند و اوصاف شش‌گانه‌ای را که در آیه آمده است داشته باشند؛ و این مژده‌ای از خداست که همواره در روی زمین کسانی خواهند بود که مؤمن واقعی باشند و در راه خدا تلاش کنند و دین او را زنده نگهدارند. اما از جهت آنکه قرآن الگو برای مردم است، باید ارائه نمونه و مصداق نماید تا برای مسلمانان اسوه شود. مصداق بارز و روشن آن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بود که با یاران خود در راه حفظ اسلام از دستبرد دشمنان صمیمانه کوشید و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نفرمود و مصداق روشن و بارز دیگر آن حضرت ولی عصر و یاران او خواهند بود که در موقع ظهور آن بزرگوار، دین خدا را زنده خواهند کرد و حکومت واحد جهانی را براساس تعالیم اسلام برپا خواهند نمود و عدل و داد را در زمین گسترش خواهند داد پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است. (جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۸۷) پس مصداق واقعی این آیه حضرت علی (ع) و در آینده شامل حضرت مهدی (عج) می‌شود. ابوبکر نمی‌تواند مصداق آیه باشد زیرا اولاً صفات مذکور در آیه را ندارد؛ و ثانیاً هیچگاه با مرتدان نجنبیده، بلکه جنگ او با مسلمانانی بوده که حاضر نشدند زکات خویش را به حکومت غاصب تحویل دهند.

۱. ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد. *تفسیر القرآن العظیم (ابن‌ابی‌حاتم)*، عربستان - ریاض: مکتبه نزار مصطفی‌الباز، سوم، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن‌جزی، محمد بن احمد. *التسهیل لعلوم التنزیل*، لبنان - بیروت: شرکه دار الأرقم بن أبی الأرقم، اول، ۱۴۱۶ ق.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. *تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ایران - مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، اول، ۱۴۰۸ ق.
۴. ابوحنیف، محمد بن یوسف. *البحر المحیط فی التفسیر*، لبنان - بیروت: دار الفکر، اول، ۱۴۲۰ ق.
۵. بروجردی، محمدابراهیم. *تفسیر جامع*، ایران - تهران: کتابخانه صدر. ششم، ۱۳۶۶.
۶. جعفرین الحسن الحلی. *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، با تعلیقات سید صادق شیرازی. قم: استقلال، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق.
۷. جعفری، یعقوب، *تفسیر کوثر*، ۶جلد، موسسه انتشارات هجرت - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۷۶ ه.ش.
۸. حجازی، محمد محمود. *التفسیر الواضح*، لبنان - بیروت: دارالجلیل، دهم ۱۴۱۳ ق.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه. *تفسیر نور الثقلین*، ایران - قم: اسماعیلیان. دوم، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. خرماهی، بهاء‌الدین. *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران: گلشن، اول، ۱۳۷۷.
۱۱. خسروانی، علیرضا. *تفسیر خسروی*، ایران - تهران: کتابفروشی اسلامی، اول، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. زحیلی، وهبه. *التفسیر الوسیط (زحیلی)*، سوریه - دمشق: دار الفکر. اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. سیدکریمی حسینی، عباس. *تفسیر علین*، قم: اسوه، اول، ۱۳۸۲.
۱۴. شاه‌عبدالعظیمی، حسین. *تفسیر اثنی عشری*، ایران - تهران: میقات. اول، ۱۳۶۳.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، لبنان - بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات. دوم، ۱۳۹۰ ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. *تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ایران - تهران: ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، ۳۰جلد، دار المعرفه - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۸. طنطاوی، محمد سید. *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، مصر - قاهره: نهضة مصر، اول، ۱۹۹۷ م.
۱۹. طیب، عبدالحسین. *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ایران - تهران: اسلام. دوم، ۱۳۶۹.
۲۰. فولادوند، محمد مهدی، *ترجمه قرآن (فولادوند)*، ۱جلد، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۴۱۸ ه.ق.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم. *تفسیر القمی*، ایران - قم: دار الکتاب، سوم. ۱۳۶۳.
۲۲. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، ایران - تهران: کتابفروشی اسلامی، اول، ۱۳۶۳.
۲۳. کوفی، فرات بن ابراهیم. *تفسیر فرات الکوفی*، ایران - تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه‌الطبع و النشر، اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. ماتریدی، محمد بن محمد. *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*، لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، اول، ۱۴۲۶ ق.
۲۵. محمدی، ابوالحسن، *حقوق کیفری اسلام*، ترجمه حدود و تعزیرات و قصاص و دیات از کتاب شرایع و مسالک، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.

٢٦. مغنيه، محمدجواد. *التفسير الكاشف*، ايران - قم: دار الكتاب الإسلامى. اول، ١٤٢٤ ق.
٢٧. مقاتل بن سليمان. *تفسير مقاتل بن سليمان*، لبنان - بيروت: دار إحياء التراث العربى. اول، ١٤٢٣ ق.
٢٨. مكى بن حموش. *الهدايه الى بلوغ النهايه*، امارات - شارجه: جامعة الشارقة، كلية الدراسات العليا و البحث العلمى، اول، ١٤٢٩ ق.
٢٩. ميبدى، احمد بن محمد. *كشف الاسرار و عمده الابرار* (معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى)، ايران - تهران: امير كبير، پنجم، ١٣٧١.